

## کاوشی پیرامون تاثیر عبارت قرآنی

### " جَنَاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ "

#### بر باغ سازی ایرانی

علی شرقی<sup>\*۱</sup>

[a\\_sharghi\\_a@yahoo.com](mailto:a_sharghi_a@yahoo.com)

محمد تیموری<sup>۲</sup>

[teimoori@srttu.edu](mailto:teimoori@srttu.edu)

تاریخ پذیرش: ۸۷/۷/۱۰

تاریخ دریافت: ۸۷/۱/۲۰

#### چکیده

نقطهٔ اوج تصویری که از بهشت در قرآن توصیف شده است، "جَنَاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ" می‌باشد و به معنی بوستان‌هایی است که از زیر درختان و قصرهای آن جوی‌های آب جاری است. کلمه شجره در این عبارت به ظاهر وجود ندارد، اما در معنی حس می‌شود. در مجمع‌البیان ابوعلی امین‌الاسلام طبرسی آمده است که کلمهٔ روضه به معنای زمین سبز و خرمی است که گیاهان به خوبی در آن می‌رویند و کلمهٔ جنت زمینی است که اطرافش درخت‌کاری شده باشد و در نتیجه روضات‌الجَنات باغ‌های مشجری است که در وسط، زمین سبز و خرمی را فرا گرفته باشد. بسیاری از باغ‌های ایران این ویژگی را دارند.

اعداد و مفاهیمی مانند: چهار باغ، هشت بهشت، باغ در باغ، گردش آب و... ریشه در واژگان قرآنی دارند که به معماری و ترکیب بندی باغ‌های ایرانی و به تبع آن بسیاری از باغ‌های سایر کشورهای اسلامی و حتی اروپایی راه یافته‌اند (تاثیر باغ سازی ایرانی در ورسای فرانسه والحمراي اسپانیا شاهدهی براین گفتار است). اما موثرترین واژگان قرآنی بر باغ سازی ایرانی عبارت آسمانی "جَنَاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ" می‌باشد. برخی مفسران و دین‌شناسان به تشریح این عبارت پرداخته‌اند و باغ‌های این جهان را مقدمه باغ بهشت دانسته‌اند. بسیاری از شاعران ایرانی و پارسی‌گوی، جهان را به کل به یک باغ تشبیه کرده‌اند و حتی بعضی مانند مولانا، جسم و روح انسان را به باغ تشبیه نموده‌اند. باغ‌سازان و معماران فراوانی تحت تاثیر این عبارت دست به خلاقیت زده‌اند تا فراتر از نمایش تاثیرپذیری

۱- مدرس رسمی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران (مسئول مکاتبات).

۲- مدرس رسمی دانشکده عمران دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران.

خود از باغ های موصوف در قرآن، مانند آن را ایجاد نمایند. بی شک باغ بهشتی و یا به تعبیر قرآنی آن "جَنَاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ" از جنس باغ های زمینی و انسان ساز است؛ با این تفاوت که: انسان در بهشت مهماندارش خداست، آن وقت ارزش بهشت برای او این نیست که آن جا خوردن و پوشیدن و لذت جنسی هست، ارزشش این است که تا ابد حس می کند به دست او پذیرایی می شود و این معنی، دیگر خستگی آور نیست.

## واژه های کلیدی: قرآن کریم، جَنَات، باغ، باغ سازی، باغ ایرانی

### مقدمه

نوشته و برسرچشمه آب جاری، نصب می کند (تصویر ۱) که در تاثیر پذیری از این عبارت قرآن کریم در باغ سازی جای تردیدی باقی نمی گذارد.



تصویر ۱- آبشار سرچشمه محلات (منبع نگارندگان)

واژه باغ معادل «پردیس» است و کلمه پردیس از پایی آزا (به معنی محوطه محصور، باغ و بوستان) ریشه گرفته است که عربی آن «فردوس» است. همین لفظ با الهام یونانیان و اروپائیان دوره رنسانس، از شیوه باغ ایرانی به آن جا راه یافته و کلمه Paradise در زبان انگلیسی، Paradis در زبان فرانسه و Paradies در زبان آلمانی از آن مشتق شده است. مشاهده می شود که در بسیاری از زبان ها و فرهنگ ها کلمات: باغ، پردیس، فردوس و ... معادل بهشت و جنت است و غایت جایی است که انسان آرزو دارد به آن جا برسد؛ و به تعبیری انسان مرغ آن باغ ملکوتی است و اگر نمی تواند به آن جا پرواز کند مانند آن را که می تواند بسازد.

عبارت قرآنی "جَنَاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ" ۴۱ بار در این کتاب آسمانی و در آیات ۳۰ سوره مختلف، نازل شده است (۱). در قرآن کریم عبارات دیگری نیز وجود دارند که بارها تکرار و تاکید شده اند و هر کدام تفسیر و تحقیق ویژه ای نیاز دارند، اما انتخاب این عبارت توسط نگارندگان، به دلیل وجود فضای قابل تجسم و معماری قابل وصف در معنای آن و بروز نمونه های الهام گرفته از آن در باغ سازی ایران است.

خداوند در این معجزه جاوید، مصادیق قابل درک، تجسم پذیر و تمثیل های زمینی فراوان<sup>۱</sup> را برای یادآوری، پند گیری و تذکر به انسان ها و در جهت نیل آنان به رستگاری بر می شمارد (۲). بخشنده مهربان در قبل و بعد از یادآوری این عبارت آن را هدیه ای برای ایمان آورندگان و شایستگان، پاداشی برای مجاهدان و شهیدان راه حق، نویدی برای پاکان و صالحان و... بر شمرده است. در حقیقت ارزش داد و ستد خویش با انسان را معادل باغ هایی که در پای درختان آن جوی های آب روان است و انسان از میوه ها و سایر لذات آن برخوردار خواهد شد، قرار داده است؛ گرچه رضایت او از بنده اش بالاترین ارزش ها و پاداش ها است (۳).

حال بنده ای که قرآن خوانده و باور دارد، در باغ سازی، باغ آرای و معماری باغ نیز دستی دارد؛ به طور حتم از این تاکید تاثیر و الهام می گیرد و آن را منشا ایجاد می کند، جوی های آب را از پای درختان می گذرانند، درختان میوه می نشاند، تخت و طاق و ایوان بر روی آب بنا می افکند و حتی عین عبارت "جَنَاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ" را بر لعاب کاشی

۱- داستان قوم های ثمود، عاد، لوط، نوح و... در بسیاری از سوره های قرآن کریم یادآوری شده است.

۱- آیا بهشت موعود در قرآن، که مکانی با آب های زلال در پای درختان سایه دار و دارای میوه های شیرین است، دقیقاً همان گونه است که وصف شده است؟

۲- آیا تمثیل قرآن فقط تصور دادن به قاری آن است؟ در این صورت آیا درختان، آب جاری و میوه های شیرین بهشتی جور دیگری هستند؟

۳- آیا خداوند در قرآن با تاکید زیاد بر این عبارت، اراده دارد تا انسان ها به باغ سازی، ارم آرای، پردیس افکنی و بهشت سازی در این دنیا روی آورند؟ تا آرامش یابند؟ (چرا که زندگی در کنار گل و گیاه و جوشش و حرکت آب از شیطنت انسان کم کرده و بر لطافت روح و رفتارش می افزاید<sup>۱</sup>).

۴- آیا انسان، به عنوان آفریده برتر خداوند، می تواند بهشتی مانند آنچه در این عبارت بیان شده است، پدید آورد؟

۵- آیا انسان باید منتظر ارزانی شدن بهشت از سوی خداوند به او باشد و یا خود می تواند آن را بسازد؟

۶- زندگی در چنین جایی چه تفاوتی و یا چه حسنی نسبت به زندگی دنیوی دارد؟ و چه تاثیری بر انسان می گذارد؟

۷- اگر انسان بتواند باغ هایی چون " جَنَاتٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ " بسازد آیا دیگر نیازی به باغ های بهشتی وجود خواهد داشت؟ و یا تفاوتی در آن ها وجود دارد که انسان قادر به رفع آن ها نیست؟

تعمق و کنکاش در یافتن پاسخ های صحیح و قرین به یقین برای سئوالات فوق، انگیزه اصلی طرح این مقاله است.

### ۱- قول دین شناسان

عالمانی که معتقد به تفسیر ظاهری قرآن بودند، در عین تأکید بر والاترین نعمت، یعنی لقای خدا، اوصاف شورانگیز قرآن درباره باغ بهشت را به دقت بررسی و مطالعه می کردند،

۱- تحقیقات جنت هاویلند جونز، Gent Howland Jones، استاد روان شناسی دانشگاه نیوجرسی، Newjersy University، نشان می دهد که گل و گیاه دو تا چهار برابر، احساس های نگرش مثبت به زندگی (well being)، شادی و رضایت (happiness)، صمیمیت (intimacy) و آرامش (calm) را در انسان ها افزایش می دهد.

جان کلام این مقاله کاوش تاثیر این عبارت در باغ ایرانی از نگاه دین شناسان، زبان شاعران و بیان معماران است که مصداق هایی از باغ های ایرانی و پارسی نیز بررسی شده اند.

### روش تحقیق

در کنکاش این بحث، ابتدا چگونگی پیدایش موضوع و طرح سئوالات مرتبط با آن مبنای تحقیق قرار گرفت و سپس برای یافتن پاسخ سئوالات با سه دیدگاه تفاسیردینی، تعبیر ادبی و شاعرانه و جلوه های معماری این عبارت قرآنی به تحقیقات در منابع کتابخانه ای مکتوب و مجازی پرداخته شده است. و در انتها بررسی برخی از مصداق باغسازی ایرانی متأثر از عبارت قرآنی تشریح شده، و پاسخ سئوالات طرح گشته، در آن ها جستجو شده است. اجمال روش تحقیق چنین است:

۱- تعمق و تفکر در چرایی تاکید چهل و یک مرتبه قرآن کریم بر این عبارت.

۲- طرح سئوالات مرتبط با موضوع.

۳- کاوش گفتار، تحلیل و تفسیر دین شناسان از این عبارت قرآنی.

۴- بررسی آثار و اشعار شاعران و نگاه عرفانی، عاطفی و هنری آنان به موضوع.

۵- نقد و تحلیل گفتار معماران نظریه پرداز در باب باغ سازی متأثر از عبارات قرآنی.

۶- بررسی برخی از مصداق باغ سازی ایرانی متأثر از عبارت قرآنی.

### پیدایش موضوع و سئوالات تحقیق

آن گونه که در مقدمه آمد، تکرار قابل توجه عبارت در قرآن کریم انگیزش اولیه در پرداختن به این مسئله بوده است. به طور حتم در تکرار ۴۱ باره این عبارت حکمتی نهفته است، همانطور که بر تکرار عباراتی دیگر و در آیاتی دیگر قطعاً حکمت خاصی از جانب خداوند جاری شده است، لذا پرداختن به این موضوع و تحقیق در باب این عبارت، سئوالاتی را به وجود می آورد:

علامه در ادامه به مقایسه تفاوت های نعمات این جهان با آخرت و باغ های بهشتی می پردازد: وقتی می بینیم لذائذ دنیوی (خوردن، خوابیدن و به طور کلی پاسخگویی به غرایز) مقصود اصلی در خلقت نیست، بلکه برای غرضی محدود، بقاء و تکاثر انسان است. این اشکال مورد توجه قرار می گیرد که در قیامت وجود این لذایذ چه معنی دارد؟ ... فرض نبود غذا و سایر شهوات، فرض نبود انسان است نه فرض استمرار نیافتن وجودش؛ پس انسان درحقیقت همان موجودی است که با زاد و ولد منشعب می شود، می خورد و می نوشد، ازدواج می کند، می گیرد، می دهد، حس می کند، خیال می کند، تعقل می نماید، خرسند و مسرور و شادمان می شود، و هر ملالی را به خود جلب می کند، خودی که عبارت است از همه این ها که گفتیم، مجموعی که بعضی از آن ها مقدمه بعضی دیگر است، و انسان بین مقدمه و ذی المقدمه حرکتی دوری دارد، چیزی که بر حسب طبیعت مقدمه کمال او بود، با دخالت شعور و اختیارش کمال حقیقتش می شود. وقتی خدا او را از دار فانی دنیا به دار بقا منتقل کرد، و خلود و جاودانگی برایش نوشت، این انتقال و خلود، ابطال وجود او نمی تواند باشد، بلکه اثبات وجود دنیایی اوست، هر چه بود حالا هم همان است، با این تفاوت که در دنیا در معرض دگرگونی و زوال بود، ولی در آخرت دگرگونی ندارد، هر چه هست همیشه همان خواهد بود، قهرا یا همیشه به نعمت هایی از سنخ نعمت های دنیا (منهای زوال و تغییر) متنعم، و یا به نعمت ها و مصائبی از سنخ عذاب های دنیا (منهای زوال و تغییر) معذب خواهد بود و چون نعمت های دنیا عبارت از شهوت جنسی، لذت طعام و شراب و لباس و مسکن و همنشین و مسرت و شادی و امثال این ها قهرا همین خواهد بود، پس انسان آخرت هم همان انسان دنیا است، مایحتاج آخرتش هم همان مایحتاج دنیا است آن چه در دنیا وسیله استکمالش است همان در آخرت هم وسیله استکمال اوست. مطالب و مقاصدش هم همان مطالب و مقاصد است. تنها فرقی که بین دنیا و آخرت است مساله بقا و زوال است. خداوند درباره زمین فرموده: "ذلک متاع الحیوه الدنیا" (۷)، زندگی دنیا را وسیله زندگی آخرت و متاع آن نامیده است. زندگی عبارت

اما مراقب بودند که در تفسیر آن ها افراط نکنند، و ترجیح می دادند به اوصاف قرآنی مقید بمانند و این اوصاف را بدون پرسش از جزئیات آن بپذیرند. اما از اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم گروه های اصلاحی سنت گرا سعی کردند این تصاویر تکراری را کنار بگذارند و با جستن توضیحاتی طبیعی و یا روان شناختی برای صحنه ها و مناظر زیبای باغ های ملکوتی، قرآن را اسطوره زدایی کنند (۴). این تلاش آن ها واکنشی منطقی بود در برابر برخی زیاده روی هایی که در اوصاف معاد شناسانه راه یافته بود. نیم قرن طول کشید تا عارفان مسلمان به دیدگاه جدیدی نسبت به بهشت و طبیعت برسند. آنان به بهشت جنبه های روحانی دادند و در عین حال بازتاب و آثار آن را در روی زمین جستند. دقیقاً همان گونه که خداوند در آیه ۵۳ سوره فصلت قرآن کریم، فرموده است: "سنریهم ایتانا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق"، به زودی نشانه های خود را در طبیعت و در جان های خودشان به آنان بنماییم تا برایشان روشن شود که او (خدا یا قرآن) حق است.

علامه سید محمد حسین طباطبائی در تفسیر عبارت "جَنَاتٍ تَجْرٰی مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ" در آیه ۱۵ سوره آل عمران می گویند (۵): نعمت های آخرت همه خوبی ها را دارد، لذت و زیبائیش حقیقی است و فساد در آن راه ندارد؛ خوردن از یک خوراکی در دنیا و سیر شدن از آن، انسان را دچار امتناع می کند، اما به سر بردن در یک باغ و کنار جوی آب و پای درختان، کم تر احساس سیری از آن در انسان ایجاد می کند، به خصوص اگر رضای خدا و رسیدن به او در آن مطرح باشد که هرگز ملال آور نیست. وی در ادامه می گوید: در آیات فوق (آیاتی که بهشت با نهرهای جاری در پای درختان آن، به انسان وعده داده شده است) مسئله رضای خدای سبحان مکرر در مقابل رضای بنده آمده است: "رضی الله عنهم ورضوا عنه" (۶) که رضایت خدا از بنده به خاطر اطاعت اوست و رضایت بنده از خدا به خاطر پاداشی است که به او می دهد و آن "جَنَاتٍ تَجْرٰی مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ" است.

محصور می نماید که در احاطه عظمت پروردگار است و در قرآن به دروازه‌های آن اشاره می شود. به طور کلی، اوصاف قرآن از باغ ملکوت تصویر روشنی از سر سبزی، چشمه‌های جوشان، نهرها، اغذیه لذیذ، و زیبایی های جسمانی موجود در آن می دهد، همان چیزهایی که خلفای اسلامی سعی کردند تا بر روی زمین ایجاد کنند.

در سوره الرحمن، آیات ۴۶ تا ۷۵، از دو باغ، با دو چشمه جوشان، و دو نوع از هر میوه یاد شده و جز آن ها به دو بهشت دیگر که در آن دو، دو چشمه همواره جوشان هست ... در آن دو میوه هست و نخل هست و انار هست ... این وصف قرآن از بهشت باعث تلاش های فراوانی برای طراحی ترکیب بهشت به شکلی شد که در آن دو بار دو باغ جای بگیرد. پس به خطا نرفته‌ایم اگر شکل چهار قسمتی بسیاری از باغ های ایرانی و اسلامی را که غالباً "چهارباغ" نامیده می شود، تقلیدی از این چهار باغ بهشتی بدانیم، طرح چهار باغ در فرش های پرگل و بوته ایرانی با چهار قسمت برابر نیز بازتاب یافته است. واژه هشت باغ یا از دو برابر کردن و دو بار دو باغ که در سوره الرحمن از آن یاد شده به دست آمده است و یا به کمال مطلق اشاره دارد، چرا که از شماره افلاک هفتگانه و از جهنم که فقط هفت طبقه دارد در می گذرد و به اثبات می رساند که رحمت خداوند بر غضبش فزونی دارد، عدد هشت و عبارت "هشت بهشت" در باغ سازی و معماری ایرانی رواج بسیار دارد که نکته دیگری در تأیید این دیدگاه است (۱۰).

شهید مطهری در کتاب انسان کامل می گوید: در اسلام رابطه انسان با طبیعت رابطه کشاورز است با مزرعه، رابطه بازرگان است با بازار تجارت، رابطه عابد است با معبد. برای کشاورز، مزرعه هدف نیست، ولی وسیله هست، یعنی محل زندگی و کانون زندگی کشاورز، روستا یا شهر است؛ اما از این مزرعه است که وسایل خوشی و سعادتش را به دست می آورد. یک کشاورز باید به مزرعه برود و بذر بپاشد و زمین را آباد کند. بعد که محصول روید، اگر علف هرزه‌ای پیدا شد وجین کند و بعد محصول را درو کند: "الدنیا مزرعه الاخره". اما اگر کشاورز

است از وجود دنیوی انسان، به اضافه آن چه از خوبی ها و بدی ها کسب کرده، در نتیجه در آخرت لذایذی که کسب کرده به او می دهند و یا از آن محرومش می کنند.

خانم آن ماری شیمل، محقق و شرق شناس آلمانی در مقاله ای با عنوان باغ ملکوت (۸) به بررسی صورت باغ بهشت در فرهنگ اسلامی، می پردازد و در عین حال گوشه چشمی هم به ظهور این الگو در باغ های دوران اسلامی دارد: قرآن به دین داران وعده باغ های جاوید داده است، باغ هایی که برای ساکنان سرزمین های خشک و برهوت، بزرگ ترین لذت و مایه شادی به شمار می رود. از این روست که قرآن برای انتقال مفهوم لذت و شادی، بارها به باغ ملکوتی اشاره می کند و به وصف سعادت آن جهانی در قالب تصاویری بدیع می پردازد. عبارت "جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ" به معنای چشمه های جاری در باغ ها، بارها در وصف قرآن از بهشت آمده و در طراحی باغ های سراسر جهان اسلام انعکاس یافته است.

آن ماری شیمل معتقد است: چهار نهری که از میان باغ های بهشتی میگذرد (۹)، احتمالاً بعدها برای طراحی نهرهایی که از میان باغ های ایران و هند می گذرد به کار معماران آمد (تصویر ۲)، چرا که هر گوشه‌ای از باغ های سلطنتی به نحوی نشان از بهشت دارد و حوض مرکزی در باغ های ایرانی در حکم حوض بهشت بشمار می رود.



تصویر ۲- باغ تاج محل هندوستان (منبع نگارندگان)

در آیه ۲۱ سوره الحديد، وسعت بهشت با پهنای آسمان ها و زمین قیاس شده است. اما با این حال، بهشت، به رغم وسعت و پهناوریش، همچون باغ های شرقی باغی بسته و

مزرعه را با خانه خود، مقر خود، اشتباه کند، خطا کرده است، مزرعه را به عنوان مزرعه بودن، نباید با چیز دیگری اشتباه کند. بازار برای یک بازرگان، جای کار است یعنی جای این است که سرمایه و عمل و تلاشی را برای سود و درآمد بیشتری به کار اندازد و بر آن چه دارد بیفزاید. دنیا هم برای انسان چنین چیزی است (۱۱).

اما تفاوت باغ این جهان با جنات بهشت از دید شهید مطهری چنین است: سر مطلب این است که انسان در بهشت مهماندارش خداست. محال است انسان از خدا بیزار شود و غیر او را بخواهد. از هر چیزی بیزاری پیدا می شود برای این که انسان می خواهد به خدا برسد، آن وقت ارزش بهشت برای او این نیست که آن جا خوردن و پوشیدن و لذت جنسی هست، ارزشش این است که سفره کرامت و پذیرایی اوست، حس می کند و تا ابد هم حس می کند که دارد به دست او پذیرایی می شود. این دیگر خستگی آور نیست. "قد احسن الله له رزقا" خداست که برای او رزق و روزی را نیکو گردانیده است. این همان مقام رضوان الهی است که اگر کسی به مقام رضوان الهی برسد، برای او تنها چیزی که هدف و مقصد است رضوان پروردگار است. که در آیات متعدد قرآن روی این موضوع تکیه شده است "و رضوان من الله اکبر" البته افرادی هستند که بهشت آن ها (چون ما جنات داریم و یک بهشت نیست) بهشتی است که شاید تا ابد به این سفره توجه هم نکنند. آن ها حسابشان حساب دیگری است. "یا ایتهما النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی" (۱۲)، ای نفس آن انسان که به مقام اطمینان نایل شده است (اطمینان یعنی مقام آرامش) ... انسان به هر مطلوبی که برسد قرار نمی گیرد و جاذبه تبدیل به دافعه می شود. قرآن در آیه ای تصریح کرده است الذین امنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله الا بذكر الله تطمئن القلوب (۱۳ و ۱۴).

## ۲- قول شاعران

مزرعه را با خانه خود، مقر خود، اشتباه کند، خطا کرده است، مزرعه را به عنوان مزرعه بودن، نباید با چیز دیگری اشتباه کند. بازار برای یک بازرگان، جای کار است یعنی جای این است که سرمایه و عمل و تلاشی را برای سود و درآمد بیشتری به کار اندازد و بر آن چه دارد بیفزاید. دنیا هم برای انسان چنین چیزی است (۱۱).

اما تفاوت باغ این جهان با جنات بهشت از دید شهید مطهری چنین است: سر مطلب این است که انسان در بهشت مهماندارش خداست. محال است انسان از خدا بیزار شود و غیر او را بخواهد. از هر چیزی بیزاری پیدا می شود برای این که انسان می خواهد به خدا برسد، آن وقت ارزش بهشت برای او این نیست که آن جا خوردن و پوشیدن و لذت جنسی هست، ارزشش این است که سفره کرامت و پذیرایی اوست، حس می کند و تا ابد هم حس می کند که دارد به دست او پذیرایی می شود. این دیگر خستگی آور نیست. "قد احسن الله له رزقا" خداست که برای او رزق و روزی را نیکو گردانیده است. این همان مقام رضوان الهی است که اگر کسی به مقام رضوان الهی برسد، برای او تنها چیزی که هدف و مقصد است رضوان پروردگار است. که در آیات متعدد قرآن روی این موضوع تکیه شده است "و رضوان من الله اکبر" البته افرادی هستند که بهشت آن ها (چون ما جنات داریم و یک بهشت نیست) بهشتی است که شاید تا ابد به این سفره توجه هم نکنند. آن ها حسابشان حساب دیگری است. "یا ایتهما النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی" (۱۲)، ای نفس آن انسان که به مقام اطمینان نایل شده است (اطمینان یعنی مقام آرامش) ... انسان به هر مطلوبی که برسد قرار نمی گیرد و جاذبه تبدیل به دافعه می شود. قرآن در آیه ای تصریح کرده است الذین امنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله الا بذكر الله تطمئن القلوب (۱۳ و ۱۴).

آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر آیه ۲۵ سوره بقره می گوید (۱۵): باغ هایی که آب داریم ندارند و باید از خارج، آب برای آن ها بیاورند، طراوت زیادی نخواهند داشت. طراوت از آن

شاعران و عارفان که به طور کلی از ذهنی حساس و درکی هنری برخوردارند، به کشف شباهت های جنبه های مختلف خلفت علاقه بسیار داشتند. از این رو خیلی زود شروع به تفحص در رابطه انسان و طبیعت کردند، و بلافاصله به کشف شباهتی بنیادی میان رفتار انسان و حالت باغ نایل آمدند. مگر قرآن بر امکان رستاخیز و احیای انسان با آوردن مثال هایی از طبیعت استدلال نکرده است؟ که زمین مرده در بهار احیا می شود و به گیاهان سبز و گل های زیبا مزین می گردد، استخوان های اموات نیز که ظاهراً در زیر خاک پوسیده است، در روز

بهشت و نعمات آن می داند: " قصر فردوس که رضوانش به درباری رفت / منظری از چمن زهت درویشان است ". ویا " چشم حافظ زیر بام قصر آن حوری سرشت / شیوه جنات تجری تحتها الانهار داشت ". حافظ در عین حال ارزانی این نعمات از خداوند به انسان را در پاداش اعمال او می داند: " قصر فردوس به پاداش عمل می بخشند/ ماکه رندیم وگدا دیر مغان مارا بس / بنشین بر لب جوی وگذر عمر ببین / کاین اشارت زجهان گذران مارا بس ". حافظ در جایی دیگر خود را در اصل متعلق به جنات وعده داده شده می داند که از آن غافل شده است: من ملک بودم و فردوس برین جایم بود / آدم آورد در این دیر خراب آبادم / سایه طوبی ودلجویی حور و لب حوض / به هوای سر کوی تو برفت از یادم. حافظ در شعری دیگر، حتی از مضامین اشعار پیش گفته فراتر می رود و مدعی برتری باغ های شیراز نسبت به بهشت است: بده ساقی می باقی که در جنت نخواهی یافت / کنار آب رکناباد وگلگشت مصلارا (۱۸).

فردوسی علی رغم تلاشش دراستفاده از واژگان پارسی، شهرتش واژه ای عربی<sup>۱</sup> است به معنای بهشت؛ در اشعارش باغ های بسیاری را توصیف می کند، که عموم آن ها ویژگی های مشترکی دارند: همه باغ ها به بهشت وصف شده اند، باغ ها اغلب دارای چشمه های بزرگ و آب جاری است و دیواری گرداگرد آن کشیده شده است که نامحرم (غیر بهشتی) را بدان راهی نیست. گرچه زمان و مکان داستان ها و حماسه های فردوسی به ایران باستان و قبل از اسلام بر می گردد، اما خود او متعلق به دوره اسلامی و متأثر از آن است و کلمات به کار گرفته در شاهنامه در باب بهشت و باغ بهشتی علی رغم ریشه های پارسی آن فضای عبارت " جنات تجری من تحتها

قیامت دوباره جان می گیرد. بنابراین، شباهت های انسان و طبیعت و مظهر شاخص طبیعت، یعنی باغ، بسیار است و دست آویزی برای شاعران تا به سرودن اشعار فراوانی در مورد طبیعت و باغ بپردازند. اگر کسی بخواهد شاعری ایرانیان را بیابد روی باغ ایرانی می تواند تأمل کند، آن جا که باغ ایرانی ساخته می شود، هم آن جاست که غزل گفته می شود. باغ از این جهت غزل معماری و شهرسازی ایران است (۱۶).

مولانا بی شک زبان آورترین استاد تأویل عارفانه حقیقی از طبیعت است. برای او باغ پرمعنا ترین نماد و استعاره حسن الهی است که باغبان ازلی و جمال لایزال او را، هم آشکار می سازد و هم نهان می دارد. او که ترجمان اصیل ادراک عرفانی است، نیک می داند که: " لطف از حق است لیکن اهل تن درنیاید لطف بی پرده چمن ". درجای جای اشعار مولانا رنگ سبز برگ ها و گیاهان انسان را به یاد باغ ملکوتی می اندازد: برگ های جوان و شاداب به سبزیپوشان و حوریانی بهشتی در لباس های حریر و زربفت سبز رنگ و زیبا می پوشند، تشبیه شده است. رنگ سبز در حوزه مکاشفات عرفانی آخرین و والاترین رنگ به شمار می رود؛ عارف پس از گذشتن از میان سیاهی، به مشاهده رنگ سبز زمردین نایل می شود، برای عاشق مشتاق و پرشور حتی بهشت نیز برگی از باغ خداست. به قول مولانا درختان به برای تمنا، دستان خود را به سوی آسمان می گشایند و از آن جا که برگ چنار همواره به دست انسان تشبیه شده است، مولانا این درخت را پیشنهاد گیاهان نمازگزار باغ دانسته است که در پاییز برگ هایش را از دست می دهد و به عارف کاملی می ماند که در حال بی برگی، یعنی بدون تعلقات بیرونی و دنیوی و در حالت دعا و تضرع و با فقر مطلق در برابر خداوند ایستاده است و تمنای رسیدن به او را دارد که مولوی بدان آگاه تر است: " بلبل ایشان که حالت آرد او/ در درون خویش گلشن دارد او " مرغ جان بالاخره درمی یابد که گل در دلش خانه دارد و جدایی و فراق در کار نیست (۱۷).

حافظ که شهرتش را از حفظ قرآن کسب کرده است، در شعر هایش باغ های این جهان و نعماتش را به سان باغ های

۱- واژه مفرد فردوس از واژه یونانی پردیس (paradise) که معرب شده و به صورت فرادیس در آمده است و سپس آن را جمع مکسر پنداشته و از آن، واژه مفرد فردوس راساخته اند، گرفته شده است. این واژه که در اوستا دوبار بکار برده شده از دو جزء ترکیب یافته، یکی Pairi به معنی پیرامون و دیگری Daeza به معنی انباشتن و دیوار کشیدن، که بر روی هم به معنای درختکاری و گلکاری پیرامون ساختمان می باشد. این واژه در پهلوی پالیز شده و در فارسی دری هم بکار رفته است (برگرفته از سایت: Rizavand.blogfa.com).

این گونه در دامان باغ سر می دهد " من مسلمانم / قبله ام یک گل سرخ / جانمازم چشمه، مهرم نور / دشت سجاده من / ... / من نمازم را وقتی می خوانم / که اذانش را باد، گفته باشد سر گلدسته سرو / من نمازم را، پی « تکبیره الاحرام » علف می خوانم، / ... / کعبه ام بر لب آب، / کعبه ام زیر اقلای هاست، / کعبه ام مثل نسیم، می رود باغ به باغ، می رود شهر به شهر «حجرالاسود» من روشنی باغچه است. " سپهری در ورای باغ و درخت خدا را می بیند و رسیدن به او را نهایت تلاش انسان می داند: " تو اگر در تپش باغ خدا را دیدی، همت کن / و بگوماهی ها، حوضشان بی آب است / باد می رفت بر سر وقت چنار / من به سر وقت خدا می رفتم / ... / باید دويد تا ته بودن / باید به بوی خاک فنا رفت / باید به ملتقای درخت و خدا رسید "

### ۳- قول معماران

باغ در تفکرات ایرانی تمثیل قطعه ای از بهشت است. بهشتی که از اسطوره های کهن دینی و ادیان آسمانی متولد شده است. ایجاد مکان و فضای بهشت گونه در باغ سازی و طراحی پردیس ها، نخستین انگیزه ایرانیان در باغ سازی محسوب می شود.

استاد کریم پیر نیا عقیده دارد (۲۱): " ... طراحی و ایجاد باغ های فین کاشان، ارم شیراز، دولت آباد یزد و ... از آیات قرآن تاثیر گرفته اند. وی عقیده دارد: پله پله کردن مسیر جریان ملایم آب و تند و پرسر صدا کردن آن در باغ سازی ایرانی یکی از روش های نمایش آب و تاکید بر تاکیدات قرآن بر کلمه " تجری " در عبارت " جَنَاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ " می باشد: تاثیرات قرآن بر باغ سازی ایرانی تا به آنجا است که چشمه های طبیعی جاری در باغ ها یاد آور چشمه های جوشیده در پای اسماعیل (ع) و مریم (ع) که در قرآن به آن ها اشاره شده است، می باشند و اسامی مقدسی مانند: چشمه علی دامغان، چشمه علی شهر ری، چشمه سلیمانیه باغ فین و ... که توسط مردم به چشمه ها داده شده است. و یا عناوین گل هایی که به اسامی پیامبران و معصومان مانند: گل محمدی، گل

الأنهار " را تداعی می کند. فضایی که نیستی و زوال ندارد، ناتوانی و بیماری در آن نیست و دارای آب های جاری و روشن و خوشگوار است: " بنا کرد جایی چنان دلگشای / یکی شارسان اندر آن خوب جای / بدو کاخ و ایوان و میدان بساخت / درختان بسیاری اندر نشاخت / درختان بسیار و آب روان / همی شد دل سالخورده جوان / نبینی در آن شهر بیمار کس / یکی بوستان از بهشت است و بس / همه آب ها روشن و خوشگوار / همیشه بر و بوم او چون بهار / بسازید جایی چنان چون بهشت / گل و سنبل و نرگس و لاله کشت / بیاراست آن شارسان چون بهشت / ندید اندر آن چشم یک جای زشت / به کاری که پاداش یابی بهشت / نباید که باغ بلاکینه کشت ". و سرانجام این که حکیم حماسه سرا، ایران را همانند باغ و بهشتی بزرگ پنداشته است: " که ایران چو باغیست خرم بهار / شکفته همیشه گل کامکار " (۱۹).

سهراب سپهری در هشت کتابش (۲۰) آمدن از باغ بهشت را در شعر باغی در صدا، با بیانی نو مطرح می کند: " در باغی رها شده بودم / نوری بی رنگ و سبک بر من می وزید / آیا من خود بدین باغ آمده بودم / ... / آیا پیش از این زندگی ام فضایی دیگر داشت؟ " و در ادامه می سرايد: " سفری دیگر، ای دوست / و به باغی دیگر / بدرود / بدرود، و به همراهت نیروی هراس ". سهراب نیز همانند حافظ باغ های این جهان را دریچه ای به بهشت خدایی می داند: " این جاست، آید، پنجره بگشایید، ای من و دگر من ها / صد پرتو من در آب! / مهتاب، تابنده نگر، بر لرزش برگ، اندیشه من، جاده مرگ. / آن جا نیلوفر هاست، به بهشت، به خدا در هاست. " و با بیانی طبیعت گرا به مقایسه پایان این زندگی و شروع زندگی دیگر می پردازد: " سرچشمه رویش هایی، دریایی، پایان تماشایی. / تو تراویدی: باغ جهان تر شد، دیگر شد. / ... / این سو تاریکی مرگ، آن سو زیبایی برگ. این ها چه، آن ها چیست؟ ". سهراب اهل کاشان است که خود بهشتی در کنار کویر و باغ های بهشت گونه اش معروف است. او متأثر از این فضا مسلمانی و خدا خواهی اش را

۱- بازگشت به جهان دیگر و برگشت به باغ بهشت، نیروی هراس کنایه از عالم برزخ است.



نیک‌کردار را وعده بهشت می‌دهد؛ پارسیان باغ‌هایشان را پرديس می‌نامند؛... باغ صورت مثالی بهشت می‌شود، و ابعاد قدسی پیدا می‌کند (۲۴).

دکتر داراب دیبا و دکتر مجتبی انصاری: در مقاله مشترکی (۲۵) باغ درسزمین‌های گرم و خشک ایران را تمثیلی از بهشت برین بر روی زمین معرفی کرده و نظریات فنی جالبی از تاثیر قرآن کریم بر باغ‌سازی ایرانی مطرح کرده‌اند: پس از اسلام معماران مسلمان با عنایت به توصیف‌های قرآن از بهشت، بهشت‌هایی را در این جهان ساخته‌اند که به راستی تمثیلی از جنات قرآنی است که در عبارت: "جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ" آمده است. اما مسلم است بهشت آخرت که قرآن ارائه می‌دهد تفاوت ذاتی با دنیا دارد و لذا می‌بینیم ایرانیان بهشتی (باغ) را در این عالم طرح کرده‌اند که با خصوصیات این دنیا مطابقت دارد، اما تصاویر بهشت آخرت را تداعی می‌کند. و سعی کرده‌اند که در همه فصول سال زیبایی و بهره‌دهی (میوه‌های مناطق مختلف آب و هوایی در چهار فصل سال) در یک اکوسیستم بسته و جدا از محیط را فراهم آورد.

بهشت موصوف در قرآن به پهنای آسمان‌ها و زمین است و یکی از خصوصیات باغ‌های ایرانی نیز وسعت آنها است، وجود چشم‌انداز اصلی در محور طولی باغ و رو به روی کوشک و کاشتن درختان بلند در دو طرف آن نقشی اساسی در ایجاد پرسپکتیوی دارد که باغ را طولانی‌تر جلوه‌گر می‌سازد. و این همان خصوصیتی است که در باغ‌های ایتالیایی و فرانسوی مورد الهام قرار گرفته است. شیب طبیعی که در اکثر باغ‌های ایرانی مورد استفاده قرار گرفته موقعیت مناسبی را برای قرارگیری کوشک در نقطه مرتفع باغ فراهم ساخته است که تمثیلی از معنای فردوس در بهشت می‌باشد. از نظر بصری انسان، هنگامی در نقطه کم ارتفاعی قرار می‌گیرد فاصله خود را تا نقطه مرتفع کمتر از زمانی احساس می‌کند که همان مسافت را از نقطه بلند می‌نگرد. این خطای حواس که به تفاوت زاویه دید انسان در جهت بالاتر و پایین‌تر از خط افق مربوط می‌شود باعث شده است که کوشک (مرکز باغ) از ورودی باغ نزدیک به

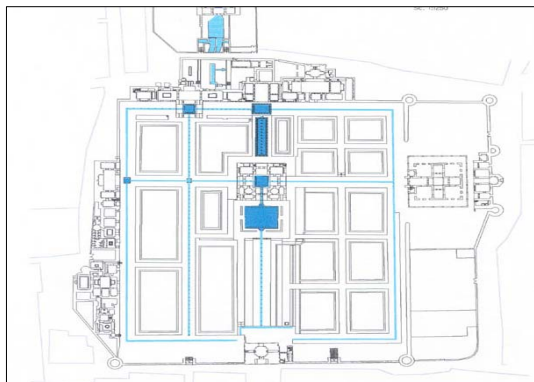
داوودی، گل مریم و... مزین شده‌اند همگی حکایت از تاثیر قرآن و اسلام بر باغ‌سازی ایران دارد (۲۲).

دکتر لطیف ابوالقاسمی: در مقایسه بین باغ‌های ایرانی با باغ‌های اروپا می‌گوید: در کویر باغ‌سازی معاشقه با آب است، تلاش برای وصال است، پناه بردن از گرمای جهنمی جبار به سایه طوبایی درخت است و دل سپردن به مزامیری جویبار. اما در اقلیم سرسبز اروپا، باغ فرار از موهبت جنگل سخاوتمند است و اجابت هوس‌ها و قطع کردن درخت و کشتن جنگل؛ این باغ‌سازی است و آن باغ آرایبی، این نشان دادن بوسه‌ای بهشتی است برسینه سوزان جهنم، آن تفریحی هنرمندانه بر ناف بهشت، این گذر از کویری جهنمی است به باغ بهشتی و تضادی است یادآور جهنم و بهشت (۲۳).

به عقیده مرحوم ابوالقاسمی: باغ‌سازی ایرانی در مناطق گرم و خشک، برای مقابله با گرمای طاقت فرسا، سعی در ایجاد بیشترین سایه را داشته است، بخش عمده‌ای از باغ مامن و پناه‌گاه گرم‌دگان است. و این سایه افکنی چیزی نیست جز تفسیر عملی و بصری حرف و کلمه "مِنْ تَحْتِهَا" در عبارت "جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ" وی در ادامه می‌گوید: ایرانی آب را محترم می‌شمارد، قدر آن را می‌داند و به تهیه آن از هر جا که بتواند می‌پردازد: از قعر زمین، از دوردست‌ها، از نم باران و از زیر سنگ، آنان آب یاب‌های بسیار خوبی هستند و در باغ‌ها با هنرمندی ماهرانه‌ای آن را بیشتر از آن چه هست، نشان می‌دهند. آن را در جوی‌ها، آبگردان‌ها، فواره‌ها و... به حرکت در می‌آورند که مصداق کلمه "تَجْرِي" است.

در سده‌های نخستین هجری، نمونه‌های آغازین، از سوئی در بین‌النهرین و از دیگر سو در خراسان جان می‌گیرند. دیری نمی‌پایید که همسایگان دور و نزدیک که از طریق ایران اسلام می‌آوردند، معماری و باغ‌سازی ایران اسلامی را به ارمغان می‌پذیرند. شیوه باغ‌سازی ایران فراوطن می‌شود؛ به خاور و باختر قدر می‌بیند، و بر صدر می‌نشیند. در خشکیوم عربستان و اقلیم گرم و خشک ایران، بهشت نشانه می‌شود: سبز و خرم، بالانشین و صفا بخش اشعار نغز و دلنشین. باری تعالی مسلمانان

اساسی ایفا نموده است. ناحیه فین به علت فراوانی درختان و آب و هوای خوب، یکی از تفرجگاههای اطراف کاشان است. طبق گفته دونالد ویلبر: «وقتی مسافر به شهرکاشان نزدیک می شود؛ می تواند در سمت راست جاده، باغ فین را با سروهای زیبایش مشاهده کند و با بازدید از آن، می توان گفت که مهم ترین نقطه این شهر را دیده است» (۲۶).



تصاویر ۳ و ۴- پلان و نمای گوشه مرکزی باغ فین  
(از سایت persiangarden.ir)

پیرنیا در مورد باغ فین می گوید: در این باغ با آب بازیها شده است. مقدار اعظم آب چشمه سلیمانیه ابتدا از یک اشترگلو بیرون می آید، و از آن جا در حوض هایی در دو طرف پخش می شود و بعد به آبناها و جوی هایی می رسد که فواره های متعدد دارند و بعد از گردش در باغ، خارج شده و به کشتزارها می رود... (۲۷).

جریان آب، علاوه بر نقش عملکردی که در آبیاری گیاهان دارد، نقش بارزی را در زمین آرای و در ایجاد صفا در باغ و همچنین ایجاد اصوات دلپذیر به ویژه در آب شوره ها به عهده می گیرد. آب به شکل حوض های بزرگ، فواره ها، آب

نظر آید و بیننده را به طی این مسافت به ظاهر کوتاه ترغیب کند و برعکس هنگامی که از گوشه به باغ می نگرند فاصله مذکور طولانی تر به نظر آمده و وسعت بیشتری به باغ می بخشد. ایشان در ادامه معتقدند: تمثیل گردش آب و تقسیم هندسی باغ ایرانی و جاری شدن آب از جای جای باغ و حرکت آن در چهار جهت و چهارجوی، تمثیلی از چهار نهر بهشتی است که در باغ ایرانی به کار گرفته شده است. گرچه آب از یک جهت آمده و ضمن ریختن در یک حوض در سه جهت دیگر جاری شده است، اما گردش آب را در چهار جهت تداعی می کند. آنچه مسلم است کاربرد وسیع ترکیب هندسی چهارباغ و آب راه های اصلی و متقاطع باغ های ایرانی در دوره پس از اسلام را می توان نتیجه ابعاد تمثیلی چهار نهر بهشتی در قرآن دانست (۲۵).

### انطباق اقوال با مصادیق<sup>۱</sup>

گزنفون<sup>۲</sup> در کتاب خود بنام اکونومیگوس از باغ های ایرانی چنین یاد می کند: اگر ایرانیان چنین باغ هایی را پردیس (بهشت) نامیده اند، بی دلیل نبوده است. گرچه این گفته گزنفون هزار سال قبل از ظهور اسلام و نزول قرآن ثبت شده است، اما اگر تلاش خلاق و توأم با زحمت ایرانی توانسته است، آب را در دل کویر به کمک قنات ها، مانند جریان خون در رگ ها، به حرکت در آورد؛ قطعاً با افزودن اندیشه های قرآنی، تبدیل کویر سوزان به بهشتی با آب روان، برایش آسان تر است.

باغ فین کاشان: در جنوب غرب کاشان و مجاور سر چشمه فین یا سلیمانیه قرار گرفته است (تصاویر ۳ و ۴). آب آن از قدیمی ترین دوران ها در این ناحیه، باعث جذب انسان به این منطقه شده و در شکل گیری تمدن در این ناحیه نقش

۱- انتخاب چند نمونه از میان باغ های ایران مانند: هشت بهشت، چهل ستون، ارم، دلگشا، جهان نما، شاه زاده ماهان، دولت آباد، گلشن، شاهگلی تبریز و... برای بحث در این مقاله مشکل است، لذا سعی شده است نمونه های جامعی از مکان های مختلف ارائه شوند.

۴- Xenophon) سردار و فیلسوف یونانی (۴۳۰، ۳۵۵ ق. م) برگرفته از سایت: Isfahan.honar.ac.ir

مربوط و هماهنگ است که نمی توان تشخیص داد کجا یکی پایان می یابد و دیگری آغاز می گردد. محور اصلی جهت حرکت را به کمک ردیف درختان دو سوی استخر کشیده میانی، به خوبی مشخص می نماید، باغ به کمک این محور طولی و یک محور عرضی بدون جوی آب به چهار قسمت اصلی تقسیم گشته است. شاخه سوم از جوی شاهی پس از گذر از باغ بلبل یا باغ هشت بهشت وارد باغ چهل ستون شده و مورد استفاده آبیاری گیاهان باغ قرار می گیرد که از نظر زیبایی نیز مورد توجه قرار می گیرد.

درختان اصلی باغ چهل ستون چنار، کاج و نارون هستند که در پیرامون کرت ها قرار گرفته اند. محدوده باغ با دیواری محصور بوده که باغ را از محیط اطراف جدا می کرده است. با توجه به طولانی بودن محور اصلی، دید اصلی به سوی کوشک با درختان دو سوی این محور بر معماری فضای باغ تأکید می کنند که این تأکید با وجود آب دو چندان می شود.

باغ ارم شیراز: از قرن هشتم هجری وجود داشته و از عصر صفویه به بعد باغ ارم در نوشته های جهانگردان، آباد و باشکوه توصیف شده است (تصویر ۶)، در دوره قاجار، ساختمان



تصویر ۶- باغ ارم شیراز (از سایت persiangarden.ir)

فعلی موجود در باغ بر اساس ساختمان قبلی آن احداث شده است. فرصت الدوله شیرازی این باغ را چنین توصیف می کند: "... بستانی است بی مثال و گلشنی است بهشت تمثال... سروهای سر به افلاک کشیده... آبشارهای متعدده از هر جانب آن روان است و سبزه های اطراف جویش چون خط برگرد

شده ها و حرکت در درون و برون فضاها و یا بازتاب ها و تالووها بر ارزش و اهمیت "تجری" در باغ می افزاید. حرکت آب در باغ از چشمه سار آن و چرخش آن در جهات مختلف باغ و در پای درختان، تا آن جا که در زیر کوشک مرکزی تجمع یافته و آنچنان قداست می یابد که بازدید کنندگان برای برآورده شدن حاجت خود نیت کرده و در آن سکه می اندازند. و ادامه آن تا خروج از باغ، همگی گویای عبارت قرآنی: "جَنَاتٌ تَجْرِي مِّنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ" می باشند.

باغ چهل ستون اصفهان: نمونه ای از یک باغ سلطنتی

دوره صفویه است (تصویر ۵) و جزیی از خیابان زیبا و طویل



تصویر ۵- باغ چهل ستون اصفهان (منبع نگارندگان)

چهار باغ و باغ های متعدد در پیرامون آن از جمله: باغ خرگاه، باغ بلبل، باغ هشت بهشت، باغ فتح آباد، باغ کاج، باغ نسترن، باغ خلعت، باغ انگورستان است. پی در پی بودن باغ ها یادآور مفهوم "باغ اندر باغ" هستند. که دقیقاً مصداق آیه ۶۲ سوره الرحمن قرآن کریم است (۲۸). در حرکت از مرکز باغ ها بموازات محور اصلی، خیابان چهارباغ، تسلسل میان فضاهای باز- باغ ها- و فضاهای بسته - ساختمان های میان دو باغ - از جانب دروازه دولت تا سی و سه پل به مثابه اصل دیگری مطرح می باشد که در سراسر باغ ها تا باغ هزار جریب، وجود دارد.

در میان باغ، عمارت چهل ستون احداث شده است. که بیست عدد ستون آن با انعکاس در آب عنوان چهل ستون پیدا می کند که از تمایل ایرانی به بی نهایت حکایت می کند. چرا که در ایران کثرت را بیشتر با عدد چهل بیان می کردند و می کنند. فضای خارج از عمارت با فضای داخل آن، چنان

باغ شاهزاده ماهان کرمان: درجنوب شرقی شهر کرمان واقع است و بیش از یکصد سال از احداث آن می گذرد (تصویر ۷).



تصویر ۷- باغ شاهزاده ماهان کرمان (مجله معماری و فرهنگ)

رودخانه کوچکی موسوم به تیگران از داخل آن عبور می کند. دیوار باغ دقیقاً به عنوان مرز بین دو دنیای متفاوت خشک و بی درخت و سرسبز و پردرخت عمل می کند و گویای این ویژگی در معماری باغ ایرانی است که دیوار در آن پیش از آن که دلیل مالکیت داشته باشد، تبلور میزان آب جاری در آن است، و دو دنیای متفاوت را از هم جدا می کند، گویا بهشت و جهنم از هم جداگشته اند.

محدوده داخل باغ از تقارن کامل برخوردار است؛ درختان چنار کاشته شده در مجاور دیوار از بیرون بر شدت تمایز باغ با محیط نیمه بیابانی اطراف افزوده اند. مسیر رودخانه عبوری قبل از ورود به داخل باغ به دو قسمت تقسیم می شود، بخشی از آن از راه زیر زمینی به فواره های اصلی می رسد، بخش دیگر آب از طریق جوی آب مستقیماً وارد باغ شده و در آن جریان پیدا می کند و خود به دو قسمت تقسیم می شود: بخش اول جنبه تزئینی دارد و وارد محور و خیابان مرکزی باغ شده و با فواره ها ترکیب می شود؛ بخش دیگر نیز در دو جوی کناری محور اصلی و دو جوی حاشیه دیوار جریان پیدا می کند و در نهایت کلیه آب های وارد باغ شده بعد از جریان های پیش گفته وارد یک حوض شده و از آن جا به خارج باغ هدایت می شوند. ویژگی دیگر باغ شاهزاده ماهان کرمان، انطباق سایه با هندسه ساختاری باغ (جنات) است؛ سه عامل شبکه آبیاری

عارض نوش لبان. بنای اول آن را محمد قلی خان ایلخانی نهاده و حاجی محمد حسن معمار... آن بنا را برآورده باغی دیگر بر آن افزوده اند. آن نیز هوایش معطر است... "دونالد ویلبر درباره باغ ارم شیراز چنین نگاشته است: ".... باغ ارم محبوبیت فراوان خود را مدیون درختان مرکبات و خیابان طولی است که در دو طرف آن سروهای باشکوه غرس گردیده... نهر آب مستقیماً از زیر تالار مرکزی می گذرد."

تالار مرکزی طبقه پایین، معروف به حوضخانه، آب نمایی دارد که نهر آب از میان آن گذشته و به استخر بزرگی در جلو عمارت می ریزد؛ آب روانی که از نهر اعظم شیراز منشعب شده و پس از گردش در حوضخانه وارد جوی های اطراف استخر و باغچه ها می گردد و گل کاری های اطراف جویها بر زیبایی آن می افزاید. فضای این باغ مصداق زمینی آیات ۲۸ الی ۳۲ سوره واقعه است که می فرماید: "فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ، وَ طَلْحٍ مَّنْضُودٍ، وَ ظِلِّ مَمْدُودٍ، وَ مَاءٍ مَّسْكُوبٍ، وَ فَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ". (در زیر درختان بی خار، و درختان موز با خوشه های درهم، و سایه ای پایدار، و آبی ریزان روان، و میوه های فراوان).

در وسط خیابان اصلی جوی آب سرونازها و درختان تنومند دو طرف آن را فراگرفته است و در یکی از آن ها تاکی تنومند و کهن وجود دارد که شاخه های آن، برگرد سرو تابیده و از پای تا سرآنها در آغوش گرفته است که در هیچ باغ دیگری نظیر آن را نمی توان دید؛ مخصوصاً در فصل تابستان که تاک ثمر می آورد زیبایی آن موجب شگفتی هر بیننده ای است. سرونازی به بلندی سی و پنج متر، بلندترین سروناز شیراز است. این درخت شهرت بین المللی یافته است و نویسندگان و جهانگردان خارجی عکس ها و مقالات بسیاری درباره آن منتشر نموده اند. این باغ علاوه بر سرو های زیبا به داشتن انواع گل نیز اشتهار دارد که از نظر تنوع گل رز، در ایران وحتى آسیا کم نظیر است و در بین کشورهای مشرق زمین بجز این گلستان، فقط در دو سه کشور دیگر گلستان های رز با این تنوع پرورش داده شده است. که اگر این ویژگی ها مصداق "جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ" نباشد پس چیست؟

(تجری) سایه درختان (من تحتها) و هندسه باغ در کنار آب روان (الانهار) ساختار باغ را شکل داده اند (۲۹).

### نتیجه گیری

وقتی در پی پاسخ گویی به سئوالات پیدایش موضوع بر می گردیم و به اقوال پیش گفته نظر می کنیم، می یابیم که:

۱. در روی زمین نیز می توان باغ بهشتی ساخت و نباید منتظر ارزانی داشتن آن از سوی خدا بود، چرا که خداوند چیزی را به انسان می دهد که خود انسان در پی به دست آوردن آن باشد؛ پس باغ بهشت حاصل زحمت و نتیجه تلاش انسان در این دنیا است.
۲. باغ های انسان ساز و به خصوص باغ های ایرانی به سمت جنات خدایی می روند، همان گونه که خود انسان به سمت خدا می رود.<sup>۱</sup> والاترین نعمتی که به ساکنان بهشت وعده داده شده، لقای خداوند است و تنها تفاوت اصلی باغ های بهشت با باغ های زمینی همین است. لقای اوست که به هر میوه طعمی ویژه می دهد و به هر درخت جلوه ای خاص و به هر آب جاری آهنگی متفاوت. خستگی و تکرار در آن وجود ندارد. و جلوه جاویدان جمال پروردگار، تمام باغ بهشت را پر می کند و هر خستگی و سرگردانی را از انسان بهشتی دور می کند.

### منابع

۱. این عبارت قرآنی ۳۱ مرتبه عیناً و ۱۰ مرتبه با کم و زیاد شدن کلماتی نازل شده است که عبارتند از: آیات ۲۵ و ۲۶۶ سوره بقره، آیات ۱۵، ۱۹۸، ۱۳۶ و ۱۹۵ آل عمران، آیات ۱۳، ۵۷ و ۱۲۲ نساء، آیات ۱۲، ۸۵ و ۱۱۹ مائده، آیات ۷۲، ۸۹ و ۱۰۰ توبه، آیه ۴۳ اعراف، آیه ۹ یونس، آیه ۳۵ رعد، آیه ۲۳ ابراهیم، آیه ۳۱ نحل، آیه ۹۱ اسراء، آیه ۳۱ کهف، آیه ۷۶ طه، آیات ۱۴ و ۲۳ حج، آیه ۱۰ فرقان، آیه ۵۸ عنکبوت،

- آیه ۲۰ زمر، آیه ۱۲ محمد، آیات ۵ و ۱۷ فتح، آیه ۵۴ قمر، آیه ۱۲ حدید، آیه ۲۲ مجادله، آیه ۱۲ صف، آیه ۹ تغابن، آیه ۱۱ طلاق، آیه ۸ تحریم، آیه ۱۲ نوح، آیه ۱۱ بروج، آیه ۸ بینه.
۲. سوره عبس، آیه ۱۱: "كَلَّا لَإِنهَا تَذَكِرَةٌ" آگاه باش این (آیات) پندی است و سوره الحاقه، آیه ۴۸: "وَأَنَّهُ لَتَذَكِرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ" در حقیقت (قرآن) تذکری برای پرهیزگاران است.
۳. آیه ۵۷ سوره نساء، آیه ۱۹۵ سوره آل عمران، آیه ۲۵ سوره بقره، آیه ۷۲ سوره توبه، آیه ۸ سوره بینه، آیه ۱۵ سوره آل عمران و....
۴. سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان محمدی، ( ترجمه تفسیر المیزان، سید محمد باقر موسوی همدانی، جلد ۳ صفحات ۱۱۶۵ الی ۱۷۳).
۵. همان منبع
۶. سوره مائده، آیه ۱۱۹.
۷. سوره آل عمران، آیه ۱۴.
8. Schimmel, Annemarie, "The Celestial Garden" In the Islamic Garden, Dumbarton Oaks Colquium on the History of Landscape Architecture, MacDougall E. B. and R. Ettinghausen, Washington D.C., Harvard University, 1976.
۹. در آیات ۱۱۹ الی ۲۲ سوره واقعه تشریح بهشت بدین مضمون آمده است که برای بندگان پاک خدا قیامت باغی است که آن ها در یک تخت طلایی آرمیده اند و به آن ها شراب بهشتی داده می شود و چهار رود موصوف آن عبارتند از: ۱- رودخانه ای از آب زلال که هیچ وقت قطع نمی شود یعنی جاویدان است. ۲- رودخانه ای از شیر که مزه آن هیچ وقت تغییر نمی کند. ۳- رودخانه ای از شراب که کیفیت آن برای کسی که آن را می نوشد طعم به خصوصی دارد. و ۴- رودخانه ای از عسل خالص.

۱۰. آن ماری شیمل، مقاله باغ ملکوت (منبع شماره ۸)

۲- انا لله وانا اليه راجعون!

۱۱. مطهری، مرتضی، انسان کامل، ۱۳۷۳، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات صدرا.
۱۲. سوره فجر، آیات ۲۷ الی ۳۰.
۱۳. سوره رعد، آیه ۲۸.
۱۴. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، جلد ۸، ۱۳۷۱، تهران، انتشارات صدرا.
۱۵. شیرازی، آیت الله ناصر مکارم، تفسیر نمونه، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (ع).
۱۶. بهشتی، سید محمد، غزل باغ، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهر سازی ایران و سایت [persiangarden.ir](http://persiangarden.ir)
۱۷. مولوی، کلیات شمس، به تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، تهران، ۱۳۳۶، غزل های ۲۰۴ و ۵۸۱ ( بیت ۶۱۵۵ ) غزل ۱۰۰۰ (بیت ۱۰۵۶۱)، غزل ۲۵۹۰ (بیت ۲۷۴۸۳)، غزل ۲۹۷۵ (بیت ۳۱۵) مثنوی، دفتر اول، بیت ۲۰۱۴، ابیات ۲۲۳۷ به بعد. دفتر دوم ابیات ۱۳۷۸ به بعد و بیت ۳۷۵۵، دفتر سوم بیت ۴۷۶۱، دفتر چهارم بیت ۲۰۵۵ و دفتر پنجم بیت ۲۳۳.
۱۸. دیوان حافظ، به تصحیح پرویزخانلری، جلد ۲، تهران، انتشارات خوارزمی. حافظ خود می گوید که حافظ قرآن است: عشقت رسد بفریاد گر خود بسان حافظ / قرآن زیر بخوانی با چارده روایت. لقب لسان الغیب او نیز بر این موضوع صحه می گذارد.
۱۹. شاهنامه فردوسی ژول مول، سازمان کتاب های حیبی، جلد ۷، تهران، ۱۳۴۵
۲۰. سپهری، سهراب، هشت کتاب، انتشارات طهوری، تهران، ۱۳۸۴.
۲۱. پیرنیا، محمدکریم، آشنایی با معماری اسلامی، تدوین : غلامحسین معماریان، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
۲۲. پیرنیا، محمدکریم، باغ های ایرانی، نشریه آبادی سال چهارم شماره پانزدهم، زمستان ۱۳۷۳.
۲۳. ابوالقاسمی، لطیف، باغ، انتشارات سازمان پارک ها، تهران، ۱۳۷۱.
۲۴. ابوالقاسمی، لطیف، مقاله هنجار های باغ ایرانی در آئینه تاریخ از کتابخانه مجازی سایت [persiangarden.ir](http://persiangarden.ir)
۲۵. دیبا، داراب و مجتبی انصاری، باغ ایرانی، از کتابخانه مجازی سایت [persiangarden.ir](http://persiangarden.ir)
۲۶. دونالد ویلبر، باغ های ایرانی و کوشک های آن، ترجمه مهین دخت صبا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۸.
۲۷. پیرنیا، محمدکریم، باغ ایرانی، مجله مرکز تحقیقات شهر سازی و معماری ایران، شماره ۱۵، تهران، ۱۳۷۳.
۲۸. در آیات ۴۶، ۵۰، ۵۲، ۵۴، ۶۲، ۶۶ و ۶۸ سوره الرحمن به تعدد باغ های بهشتی اشاره شده است.
۲۹. مسعودی، عباس، مقاله بررسی باغ شازده ماهان کرمان، شماره هفدهم مجله معماری و فرهنگ.